

مریم حیدرزاده

اون یکی روجز من داشت

(مجموعه شعر)

تهران

انتشارات پروین

حیدرزاده، مریم ۱۳۵۶
اون یکی رو جز من داشت / مریم حیدرزاده. - تهران: پروین،

۱۳۸۴

ISBN 964-7604-16-5

۱۶۰ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی - قرن ۱۴. الف. عنوان.

الف ۳۶/۳۱ PIR ۸۰۳۱/۱۶۲ ۸۶

الف ۹۴۴ ح

۱۳۸۴

م ۸۴-۳۵۳۷

کتابخانه ملی ایران



انتشارات پروین

صندوق پستی ۷۷۵-۱۳۱۲۵

حیدرزاده، مریم
اون یکی رو جز من داشت
حروفچینی و صفحه‌آرایی: مینو ارجمندی
لیتوگرافی: صدف

چاپ اول: ۱۳۸۴

شمارگان: ۴۴۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

صندوق پستی شاعر: ۱۷۸۳۵-۱۱۶

M-Respina @ Hotmail

شابک: ۹۶۴-۷۶۰۴-۱۶-۵

ISBN 964-7604-16-5

تلفن مرکز پخش: ۶۹۶۱۴۹۵-۶۲۱۴۲۳۰ (پویای معین)

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

فهرست اشعار

۵۰	شکار	۵	مقدمه
۵۲	پرسپولیس	۷	اون چشای روشن داشت
۵۴	سارا	۹	غصه تو، شادی من
۵۶	بگو که می‌مونی پیشم	۱۲	آی آدم ماشینی زمینی
۵۹	حسودیم می‌شه	۱۵	۲ نامه خیالی
۶۲	یک دروغ طولانی	۱۷	بیست
۶۳	هفت تانِ سرگردون	۲۱	مریم پاییزی من
۶۵	من از تو ممنونم	۲۳	منو ببخش
۶۹	فقط منو دوس داشته باش	۲۵	هتل لاله
۷۲	قهبر	۲۷	فرشته
۷۴	تولدت مبارک	۳۰	گل مریم
۷۷	مریم	۳۱	وقتی می‌بینی عاشقی
۸۰	غرور	۳۲	بالا بری، پایین بیای
۸۲	همیشه دیر	۳۵	از تو انتظار نداشتم
۸۴	اون شب خاکستری	۳۸	یه دروغ ساده
۸۷	قرار نبود	۳۹	اجازه هست؟
۹۰	نمی‌دونن تو بهانه منی	۴۲	حریر
۹۲	چرا باورت نمی‌شه	۴۵	یادت رفت
۹۵	فکر نکن	۴۷	ترانه تولد
۹۷	برای یک خواننده محبوب	۴۹	می‌رم

۱۳۵	باید فراموشت کنم	۱۰۱	فکرش نمی‌کردم
۱۳۷	لحظه به تو رسیدن	۱۰۵	پیدات نیست
۱۳۹	دیوونتم می‌بینی	۱۰۸	زمین به آسمون پیاد
۱۴۲	کجا بودی	۱۱۱	نکنه خدا نکرده
۱۴۷ ..	مگه از تو بهترم پیدا می‌شه	۱۱۴	موندم سر دو راهی
۱۵۳	اگه من نخوام	۱۱۸	دیگه باید چیکار کنم
۱۵۵	لالایی	۱۲۲ ...	وقتی کسی رو دوس داری
۱۵۶	به خاطر من نرو	۱۲۵	می‌ذاری؟
۱۵۸ ...	خوب شد گذاشتم کنار	۱۳۰	سمفونی آغاز
		۱۳۲	ستاره سالای پیش

مقدمه

من از یک شکست عاشقانه می‌آیم، بگذر همه برای این اعتراف تلخ سرزنشم کنند. شکست نه برای پنهان کردن است نه بهانه پنهان شدن.

می‌گویند از صبح بنویس، از آفتاب و من چگونه از خورشید بنویسم وقتی تمام وقت، بهران پنجه چشم‌انم را شسته است. همه دلشان نقش‌های مثبت می‌خواهد و آدم‌های خوشحال، اما من گمان می‌کنم این خیلی خوب است که نمی‌توانم ادای آدم‌های خوشبخت را دربیاورم. بی‌ستاره‌ام و زرد با طعم معطر پاییز، که حضورش تنها معجزه لحظه‌های تنهایی من است.

قیمت وفا شاید گران‌تر از آن بود که بهانه دوست داشتنی زندگیم از عهده داشتش برآید.

سقف اعتماد تعمیری ست، مدام چکه می‌کند، آغوش ترانه‌ها همپنان از عطر تن او که باید پُر باشد خالی ست، نمی‌توانم باورش کنم نه رفتش و نه ماندنش را.

مهم نیست تمام سرزنش‌ها را می‌پذیرم به بهانه تولد حقایق غم‌انگیزی که درد را به درد می‌آورد و آتش را می‌سوزاند.

این دل دیوانه همیشه یک پادشاه مغرور حقیقی داشته است، اگر ترانه‌ها ثمره تفهیل بود به جنون نمی‌رسید، اعتراضی نیست کسی که به او نمی‌رسد به جنون رسیده از او راهنی ست. فلاحه غم سنگینی ست اگر سر

نخواستن دلی دعوا باشد. اما همیشه حق با برنده‌ها نیست، می‌شود در عین بازنده بودن سربلند بود و او را از کوچه پس‌کوچه‌های دنیا گدایی کرد.

قدر بود حقیقت را بگویم سفت‌ست، بی‌علاج‌ست، دانستش آدم را کم‌کم می‌کشد، گریه شبانه می‌آورد، اما همین است خبر کاملاً ناگوار و واقعی‌ست آون یکی رو جز من داشت.

سکوت می‌کنم تا به خاک سپردن آخرین خاکسترهای آرزوی برباد رفته‌ام آبرومندانه باشد، گریه می‌کنم باشکوه، مثل اقیانوس، بلند مثل اورست، او نمی‌شنود و نمی‌داند که ماه، خوشبختی مشترک همه بی‌ستاره‌هاست.

یک سوال کوچک می‌ماند برای پرسیدن از کسی که بی‌پاسخ‌ترین سوال فکر آشفته من است:

چی کار کرد این دلی سادَم که از چشم تو افتادم؟

مریم حیدرزاده

بهار ۸۴